

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب مظاهر محمودیه

مؤلف متن محمد بن مهدی حسینی حافظ محشی

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر ۱۳ هـ.ق نوع خط نسخ تعداد سطر ۱۸

جزء کتب تجوید زبان فارسی عدد اوراق ۴۱

طول ۲۲ عرض ۱۴/۵ شماره عمومی ۲۶۰۵۰

وقفی زین الدین زاهدی تاریخ وقف / خریداری ۱۳۷۷

ملاحظات

آغاز: الحمد لله الذی نزل القرآن علی افصح اللغات و

انجام: ناقص - هفتم بروم چرا

اندازهٔ نوشته‌ها: ۷×۱۳/۵

۳۳

فارسی

(مظاهر محمدیه در تجوید)

موضوع: تجوید القرآن

مؤلف: محمد بن مهدی الحسینی الحافظ

آغاز: الحمد لله الذی نزل القرآن علی افصح اللغات

انجام: هفتم بروم چرا

اندازه: (۱۸) ۱۵×۲۲ برگ (۴۳)

خط نسخ　　جلد مقوایی　　کاغذ فرنگی

جدول هایی برای صفات حروف و مخارج دهان ترسیم کرده است.

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی ... [illegible]

مظاهر محمدیه در تجوید و قرائت ۱

[illegible]

کتاب [illegible] مرحوم والد

محمد علی

۲۹

محمد

[illegible]

بسم الله [illegible] الحمد لله الذی احل العقد النکاح [illegible]

[illegible]

شش چک و چهار سند مهر مصطفی که شرح زیر شماره آنها از این قرار است

سال اول چک ۲۴۲۰۹۵ سند شماره ۸۰۱

سال دوم ۲۴۲۰۹۶ سند شماره ۸۰۲

سال سوم ۲۴۲۰۹۷ سند شماره ۸۰۳

سند چهار بابت ... ۸۰۴

از قرار سالی در مقدار یکهزار ... کیلوگرم و مقدار ... کیلو ...

و مقدار ... کیلو گندم سنه ۱۳۲۰ ...

و مبلغ سیصد ریال و ...

سند چهار بابت ... ششصد کیلو گندم صد کیلو جو

و مبلغ پنجاه و شش تومان و ...

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی نزل القران علی افصح اللغات و میّز الحروف بعضها من بعض بالمخارج و الصفات و جعل القرائة و التلاوة سببا للترقی الی درجات العبادات کما صدر و ورد فی صحاح الاخبار و الروایات و صلی علی مولانا فی الخلوات و انسنا فی الظلمات و الصلوة و السلام علی من ابعثه الله تعالی باوضح المعجزات و انزل الیه السور و الایات و الحروف و الکلمات و علی اله و ابن عمه و اولاده و خلفائه من الائمة الطاهرین الذین هم شاهدون و شافعون فی الحساب و العرصات

اما بعد

خامه تقصیر اثار ذره بی مقدار بنده خاکسار محمد ابن مهدی الحسینی الحافظ بر الواح ارواح زاکیه و صحائف اذهان صافیه سالکان مسالک قرب یزدانی مینگارد که چون اخبار متکاثره

و اثار متضافره از سید انبیا و سرور اولیا و عترت طاهره ایشان علیهم السلام در اداب تلاوت و قواعد قرائت و صحت عبادت که اهم مطالب و اعظم مآرب است بعد از انشا و تالیف کتاب مظهر الایات و کتاب مظهر الکلمات فی کشف کلمات الله التامات و کتاب کشف الایات و کتاب مظهر مهدیه و کتاب تحفة الامیر و کتاب مختار القواعد فی الترتیل و التجوید و کتاب مفتاح الغیب فی الاستخارة و الاستشارة و کتاب درة التنزیل فی التفسیر و التاویل و کتاب کشف الوقوف فی علل الرموز و الحروف و کتاب کشف الوجوه فی القرائات المختلفة و الماثورة بنظر قاصر این بضاعت رسیده که اکثر خلق از فوائد انها بسبب عدم اطلاع محروم بودند و بحکم حدیث شریف کلما جمعت من علم و مال و لم ینفق فی سبیل الله فهو وبال علیه در این رساله قدری از ضروریات قرائت و لوازمات تلاوت که منتهی التذکرة و مبتدی التبصرة بوده باشد ذکر نمود و مسمی ساخت بمظاهر محمودیه فی خفاء الاسم و فی المسمی و اللفظ طبق المعنی و جعلتها تحفة لحضرت السلطان العادل و الخاقان الباذل مظهر انوار العدالة الفاهرة و مظهر اثار السلطنة الباهرة السلطان ابن السلطان ابن السلطان محمد شاه غازی شد الله اطناب دولته و شوکته باطناب الخلود ما دار الفلک علی السماء و غار السمک فی الماء بمحمد و اله النجباء نظم

نملة جائت برجل من جراد تو سلیمانی کی ای عالیجناب آنکه چون در مدح شما
مقال ناطقه حیران بماند عقل الکل و مشتمل است بر مقدمه و
چهارده مظهر و خاتمه در بیان تعلم و تعلیم و بیان آنچه سند
شرع و طریقه قراء در صحت قرائت معتبر است بدانکه اشرف و افضل
جمیع اعمال بعد معرفة الله و الرسول و الائمة علیهم السلام نماز است
چنانچه از ارکان دین مأثور است که ان اول ما یحاسب به العبد
الصلوة فاذا قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها
و ان از هیچ بنده مکلف با وجود استاد حاذق و قوت اخراج حروف
از مخارج بنا بر حدیث من قرء قران لحناً بغیر عذر نمازها
مقبول و مأجور و درست و درست نمیشود الا بتصحیح حمد و سوره
کما قال النبی صلعم لا صلوة الا بفاتحة الکتاب و علما فرموده اند که تعلم فاتحة
الکتاب واجب عینی فوری است و مکلف بتاخیر آن آثم خواهد شد
و هر گاه کسی اخلال بقرائت حمد و سوره نماید نماز او باطل است قطعا
مثل اینکه در کلمتی تکبیرة همزه جلاله و همزه اکبر را ضمه و فتحه بارا
اشباع نماید بحدی که مغیر معنی شود و در میان لفظ الله و لفظ
اکبر فاصله و سکوت نماید مثل اینکه بگوید الله ثم اکبر نماز او
باطل است و مخفی نیست که اکمل انکار واجب بجهت اخلال بحرف یا تبدیل
حرفی بحرف دیگر و اخلال بتشدید که آن هم مستلزم اخلال بحرف است

یعنی

یعنی تشدید بمنزله دو حرف است و اما اخلال باعراب و حرکات پس
هر گاه مخالف قواعد عربیه و مغیر معنی است مثل انعمت بضم تا
پس شکی در بطلان نماز در این صورت نیست و واجب است مراعات
اعراب در تشدید بقول مشهور بین العلماء و از جمله آنچه مراعات
ان لازم است مد متصل را شمرده اند و از جمله است اخراج
حرف از مخارج مقرره بنوعی مثل ضاد که اگر از مخرج ظا ادا شود
یا بعکس نماز و قرائت باطل خواهد شد و ظاهر اصحاب آنست که مراعات
صفات مقرره در عربیه چون جهر و همس و استعلاء و اطباق و نظائر
شرعا واجب بلکه از جمله مستحسنات است مگر آنکه تمیز حروف
بدون آن نشود و آنچه لازم شرع انور و طریقه ائمه اطهر است
در این کتاب مندرج خواهد شد ان شاء الله و البشر باید حفظ کنند از
تبدیل حرفی بحرفی دیگر مثل حا را بها و طا را بتا و عین را بالف
و علیک هکذا که موجب بطلان نماز غالب اشخاص میشود و نیست
باعث این مگر مساهله و مسامحه در امر دین که اکتفا میکنند
بتعلیم بعضی از معلمین تعلیم دهی و قوم غیر حاذق و عدول
از عادت ایشان هم کمال اشکال دارد و فرموده اند نماز رکنی است
از ارکان اسلام و صحت آن موقوف بصحت قرائت و صحت قرائت
موقوف بعلم تجوید فعلی هذا علم تجوید واجب است

در بیان فضیلت قران و حملهٔ ان و بیان ترتیل و محاسن و معائب
در قرائت اگرچه زبان مشکین شمام قلم از تعداد مدایح و فضائل ان
بر سطح صحیفهٔ کلام رقم عاجز است لیکن بقدر قلیلی از ان اکتفا نماید
از جناب امام موسی علیه السلام منقولست که درجات بهشت بقدر
آیات قرانست بقاری میگویند بخوان و بالا رو پس هر آیه میخواند
یک درجه بالا میرود و ایضا یقال لصاحب القران اقرء و ارق و رتل
کما کنت ترتل فی الدنیا فان منزلک عند اخر آیة تقرؤها و ایضا فرموده اند
که افضل عبادة امتی قراءة القران و نیز فرموده اند که خدا عذاب نمی کند
دلی را که حفظ نماید قران را ایضا فرموده اند که افضل امتی حملة القران
و روایت کرده اند ائمهٔ هدی از سید انبیا علیهم التحیة و الثناء
که حملهٔ قران مخصوص شدند برحمت الهی و ملبوس بانوار نامتناهی و تعلم
و تعلیم کنند کان مقربان درگاه الهی اند و مراد از حمله حمله حقیقی است
که بمضمون ان عمل کنند و منطوق میمنت مشحون کتاب الله و
عترت را منظور داشته باشند ازان فرموده ایشان تغافل و تکاهل و تساهل
نورزند و خلاف فرمودهٔ آنها نکنند و پیش ایشان شفعاء و خصماء اند و نیز فرموده اند
که قران عروة الوثقی و ریسمان محکم خداست برای متمسکان هر کس
از عین اخلاص چنگ برشتهٔ محبت جناب مولی الموالی و اولاد
طیبین او استوار نماید همچنانکه حضرت کاظم ع فرموده که علی ابن

ابی طالب

۴

ابی طالب حبل الله المتین است از ضلالت نجات یابد و باوج جاه
هدایت فایض گردد و اگر نه رسانندهٔ قاریش خود است بگودال
جهنم و درک اسفل چه در صریح آیه مصداق این مقال مبرهن است
که و ننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا
خسارا آواز بنجا بود که چون رقم این صحیفهٔ لاریب از کتابخانهٔ غیب
بر صحیفهٔ لوح ظهور منتقش گشت خط نسخ در تمام کتب انبیا و صحف
کشیده شد ای خط تو بر صحیفهٔ مه رانده رقم را خط در زده
خوبان عرب را و عجم را لاجرم فصحای حجاز و بلغای سخن پرداز برابر
این صحیفه و اتحدی الاعجاز سر بر خط انقیاد می نهادند و از دعوی
بی معنی خود تبرا کرده بصدق خبر لئن اجتمعت الانس و الجن علی
ان یاتوا بمثل هذا القران لا یاتون بمثله اعتراف مینمودند القران
معجز و الخلق عنه عاجز و قران مجید کتاب عزیز خداست چه بود
مسعود این کتاب عزت بر عزت این است افزوده شده
عزیزی و خواری تو بخشی و بس عزیز تو خواری نه بیند نه کس
پس قران را حرمتی است که بسبب آن در هر جا که ظهور قران شده
کرده ان محل را حرمتی بخشیده در هر جا که ظهورش زیاده است
حرمت ان جای زیاده گردیده پس هرگاه نقشهای مرکب و لوح
و کاغذ و جلد بیک مجاورای گردیده با انکه پستترین ظهورات

قرائیست کسی خلاف ادب نسبت بآنها بعمل آورد کافر میشود پس قلب
مؤمنی که حامل آن قرآن گردید زیاده از نقش وکاغذ وجلد قرآن
خواهد بود تا چون بمرتبهٔ جناب با رفعت نبوی واهلبیت او رسد
مرتبهٔ ظهورش بنهایت میرسد چنانچه در وصف آنجناب عم
وارد شده کان خلقه القرآن بلکه اگر بعین حقیقت نظر کنی
قرآن حقیقی ایشان‌اند ونقش کامل قرآن لفظا ومعنی در قلوب مطهرهٔ
ایشان حاصل است چنانچه جناب امیر المؤمنین ع میفرمایند که نظم
منم کلام ناطق   لیست بجنس عبارت تعالی دلبردا   نه در عرب
چو توشیبی زبان نه در عجمست   و قرآن مجید منبع جمیع علوم وفنون است
ومعدن تمامی رسوم وشئون وهر کمالی را مبدء ومنتهی نظم
ومآخذ ومنشآت   همین نشاندیس است انکلام حضرت حق
که هرچه بر ورق کاینات آیت تست   وهمین قدر کافیست که قرآن
مجید خزائن عامهٔ مساکین وشفاخانهٔ بیماران دین وپشت وپناه
بیکسان وسرمایهٔ تنگدستی وتنگ مایگان ومونس غربا وهمنشین
صلحاست   یاران که بشب کرکید دست یار   در پریشانحالی نظم
ودرماندگی   واگر کسی بخصوصیت نظر بحروف وکلمات قرآن
کند از منطوق وننزل من القرآن ما هو شفاء فهم تواند کرد
که هر خاصیتی که در تمامی اشجار وادویه وتریاقات

وسا

وسائر مرکبات یافت شود از دار الشفای کلمات قرآنی بدبهترین وجهی و
کاملترین نفع موجود خواهد بود وحضرت صادق ع فرموده است که
شکایت کرد مردی نزد حضرت رسول الله ص از درد سینه پس
فرمودند که طلب شفا کن از قرآن بدرستیکه حق تعالی فرموده است
وشفاء لما فی الصدور ونیز ایضا هر رنج ودردی که قلبی وقالبی صوری
ومعنوی باشد از قرآن مجید حاصل وعاجل است   رنج اگر بسیار شد
کی غم خورم   چون شفای دل بیمار توئی   در احقاق الحق از دانشوری
نقل نموده است که گفت کتاب خدا را بیست وهشت هزار مرتبه با تدبر
وتفکر تلاوت نمودم وهر نوبت بعلمی از علوم رسیدم که در نوبت
سابقه دریافت آن نکرده بودم   نه آن بحر است که او را ساحلیست
وین نه آن راهست کو را منزلیست   چون برآید موج آن بحر محیط
غرقه گردد هر کجا صاحبدلیست   وهر احدی از آحاد ناس اعم از
عام وخواص بحکم بغوص البحر من طلب اللآلی تعمق در آن نماید فراخور
فهم خود بگوهر مقصودی رسد   بزیورها بیارایند وقتی
خوب رویان را تو سیمین تنی چنان خوبی که زیورها بیارایی   ودر
حدیث شریف خذ من القرآن ما شئت لما شئت رسیده
وآیه را چنانچه در خواص نقل شده بهر مقصد صحیحی که بخوانند
مطلب حاصل میشود در ثواب الاعمال از علی ابن اسباط از ابی الحسن ع